

مکانیسم ماشه و اتهامات ناروا

حملات غیر منصفانه علیه تیم مذاکره کننده برجام



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین ایران در سازمان ملل

با تلاش کشورهای اروپایی برای فعال کردن سازوکار ماشه، تلاش جمعی در داخل کشور برای متهم کردن تیم مذاکره کننده برجام و بهویژه دکتر ظریف در مورد قرار گرفتن این سازوکار در قطعنامه ۲۲۳۱ اوج گرفته است. این جمع مدعی اند که موافقت تیم مذاکره کننده برجام با پذیرش مکانیسم ماشه ناشی از اعتماد به طرف مقابل یا بی‌دانشی و ناآگاهی یا نخواندن متن یا حداقل اشتباه تیم مذکور بوده است. این فرض‌ها همه یکسره نادرست است. چراکه محتوایی که بعداً در بندهای ۲۶ و ۳۶ و ۳۷ و بند ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ قطعنامه ۲۲۳۱ درج شد، همواره از روز اول مذاکرات پیوسته به عنوان یکی از حساسترین و مهمترین موضوعات منظر همه هیئت‌ها قرار داشت. محتوای این بندها که به امکان بازگشت‌پذیری تعهدات در صورت تخلف اعضا مربوط می‌شد، موضوعی نبود که فی‌البداهه در یک جلسه‌ای مطرح شده و هیئت ایرانی هم اشتباه‌ها یا از روی بی‌دانشی و بدون مجوز مرکز آن را پذیرفته باشد. تصمیمی که در این مورد گرفته شد با آگاهی کامل و تصویب عالی‌ترین سطوح بود. توضیحات زیر با حداکثر اختصار موضوع را روشن می‌کند:

۱ فلسفه بازگشت‌پذیری تعهدات- ایران از اردیبهشت ۱۹۹۳ به این تصمیم رسید که می‌تواند به جای اجرای گام به گام تعهدات به عنوان ضمانت وفای به عهد طرف‌ها، امکان بازگشت‌پذیری تعهدات را مبنای کار قرار دهد. به این معنی که طرف‌ها تعهداتی را پذیرفته و اجرا کنند و در صورت تخلف یک طرف، طرف مقابل امکان بازگشت به خانه اول و توقف اجرای تعهداتش را داشته باشد. لغو قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران نیز بعد از چانه‌زنی‌ها و بن‌بست‌های بسیار، نهایتاً از طریق مینا قرار دادن قاعده بازگشت‌پذیری ممکن شد. به این معنی که به‌طور کلی قرار شد در صورت تخلف طرف غربی، طرف ایرانی بتواند به راحتی به شرایط قبل از توافقات یعنی از سرگیری غنی‌سازی کامل برگردد و طرف غربی نیز خواستار آن بود که همین قاعده بازگشت‌پذیری در مورد قطعنامه‌ها نیز مبنای کار باشد. به این ترتیب، بعد از چانه‌زنی‌های بسیار، غربی‌ها نهایتاً به درج فرمول مربوطه در بند ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱ اقدام کردند و نوعی اسنپ‌یک متقابل شکل گرفت. نتیجه این شد که بعد از خروج آمریکا از برجام، ایران با گام‌هایی که برداشت، توانست اسنپ‌یک خود را عملی کند و از نظر غنی‌سازی و بازفرآوری به شرایط قبل از برجام برگردد؛ به‌طوری که ظرفیت غنی‌سازی ایران که قبل از برجام حدود ۱۰ هزار سو بود، تا قبل از حمله آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران به حدود ۱۱۰ هزار سو افزایش یافت.

۲ چگونگی بازگشت‌پذیری- ایران در بند ۲۶ برجام تأکید کرد که در صورت اعمال مجدد تحریم‌های متوقف‌شده یا اعمال تحریم‌های جدید، اجرای تعهدات خود را متوقف خواهد کرد. همین تأکید ایران در بند ۱۳ قطعنامه ۲۲۳۱ هم ذکر شده است. در بند ۳۶ برجام نیز مقرر شد که در صورتی که ایران و هر یکی از اعضای ۵+۱ بعد از شکایت به کمیسیون برجام همچنان بر آن باشند که تخلف ادامه دارد، می‌تواند انجام تعهدات خود را متوقف کند. در مورد قطعنامه‌های شورای امنیت، بدواً طرف غربی صحبت از ۱۰ سال تعلیق و بعد از آن لغو قطعنامه‌ها را مطرح کرد. در پی مخالفت ایران، فرانسه و روسیه تعلیق هر شش ماه یک بار قطعنامه‌ها را پیشنهاد کردند که به شدت به ضرر ایران بود. با مخالفت ایران و بعد از مدت‌ها بحث، نهایتاً راهی جز فرمول موجود در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ ممکن نشد؛ فرمولی که در بین سایر فرمول‌ها کم‌ضررترین توافق ممکن برای ایران نیز بود. جزئیات این مباحث در پیوست ۱۰ جلد ۴ کتاب «از سر به مهر» (صفحات ۴۲۰ به بعد) آمده است. این توضیحات نشان می‌دهد که مطالبی که علیه تیم مذاکره کننده مطرح می‌شود، تا چه حد غیر منصفانه و نارواست. در غیاب توافق فوق، تنها یک راه وجود داشت و آن اینکه نیل به هر توافقی منتفی و شکست مذاکرات اعلام می‌شد و این تصمیمی بود که طبعاً باید توسط مقامات بالای کشور گرفته می‌شد. در این فرمول، خط قرمز

آمریکا مقید نبودن اجرای بند ۱۱ به حق و تو ۴ عضو دائمی شورا بود. روال خاص کار در شورای امنیت- روال عادی کار شورای امنیت در مورد قطعنامه‌های حساس مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی این است که معمولاً پیش‌نویس‌های مربوطه بدوآ بین ۵ عضو دائمی مذاکره و نهایی می‌شود و بعداً به اطلاع ۱۰ عضو غیردائمی می‌رسد. در مورد قطعنامه ۲۲۳۱، ایران که عضو شورای امنیت نبود، قاعداً نمی‌توانست در مراحل اولیه از متن اطلاع داشته باشد، چه رسد به اینکه بر آن اثر بگذارد. با این حال، تیم مذاکره کننده ایران توانست تا حداکثر ممکن بر متن اثر بگذارد و لغو کامل ۶ قطعنامه فصل هفتمی ضد ایرانی را در بند ۲۸ قطعنامه بگیرد که با توجه به سوابق کار شورای امنیت اتفاقی تاریخی و بی‌سابقه بود. علاوه بر لغو قطعنامه‌های شش‌گانه، ایران توانست زبان بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ درباره برنامه موشکی ایران را نیز از زبانی قوی و الزام‌آور به زبانی توصیه‌ای در بند ۳ ضمیمه b قطعنامه ۲۲۳۱ تبدیل نماید. در بند هشت قطعنامه ۲۲۳۱ نیز مقرر شد که بعد از ۱۰ سال این قطعنامه منقوّمه و برنامه هسته‌ای ایران از دستور کار شورای امنیت خارج شود... کسانی که با روال کار شورای امنیت آشنا هستند، از اهمیت این دستاوردها مطلع‌اند و می‌دانند که به عنوان مثال قطعنامه‌های ضد عراقی که در ۱۹۹۰ بعد از حمله عراق به کویت تصویب شدند، حتی تا ۱۰ سال بعد از حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام، یعنی تا ۲۰۱۳ به‌طور کامل لغو نشدند.

۳ ثبت تحفظ ایران- به‌رغم توافقات فوق، تیم مذاکره کننده ایران بلافاصله بعد از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ ملاحظات ایران را طی بیانیه‌ای برای رئیس شورا و دبیرکل سازمان ملل ارسال و خواستار ثبت آن به عنوان سند شورا شد. در این نامه به شماره S/۲۰۱۵/۵۵۰ مورخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ ایران عدم موافقت خود با بخش‌هایی از قطعنامه ۲۲۳۱ را اعلام کرد. در این نامه بر «غیرقانونی و غیرعادلانه» بودن تحریم‌های لغوشده شورای امنیت علیه ایران و نیز غیرقانونی و غیرعادلانه بودن محدودیت‌های زمان‌بندی‌شده در قطعنامه ۲۲۳۱ راجع به برنامه موشکی و تسلیحاتی و هسته‌ای ایران و عدم موافقت ایران با مفاد قطعنامه فراتر از توافق برجام تأکید شد. در این نامه ضمن مخالفت با اعاده هر یک از تحریم‌های لغوشده، تصریح شده که ایران بازگشت هر تحریمی را تخطی فاحش از جانب دیگر کشورها تلقی خواهد کرد و در چنین صورتی خود را متعهد به ادامه اجرای تعهداتش نخواهد دانست.

۴ سد قانونی اینبار- برای دولت اوپامانیز به دلیل سیاست داخلی راهی جز اصرار بر «قاعده بازگشت‌پذیری تعهدات» وجود نداشت. جمهوری خواهان که در آن زمان یک اکثریت قوی در کنگره داشتند، قانون (Iran Nuclear Agreement Review Act) INARA را در ۱۵ مارس ۲۰۱۵ از تصویب گذرانند. این قانون مقرر می‌کرد هر توافقی با ایران باید توسط کنگره بررسی و قبول یا رد می‌شد. جمهوری خواهان که در سنا با ۵۴ سناتور در برابر ۴۶ دموکرات اکثریت داشتند، در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۵ (۲۵ شهریور ۹۴) در یک رای‌گیری شکلی و با همراهی ۴ سناتور دموکرات با ۵۸ رای علیه برجام رای دادند و صرفاً به خاطر دوری کمتر به مانع فیل‌ی باستر بر خورد کردند و گر نه برجام رد می‌شد. بی‌شک، اگر اسنپ‌یک در قطعنامه ۲۲۳۱ وارد نمی‌شد، برجام در کنگره رد می‌شد. به این دلایل، دست‌دولت اوپامانیز باز نبود. اسرائیل در آن زمان نیز شدیداً علیه برجام در آمریکا فعال بود.

۵ منافع سیاست درست- از یاد نبریم که سیاست درست ایران در دوره منتهی به شهریور ۹۹ (اوت ۲۰۲۰) موجب شد تا تلاش اول آمریکا برای اسنپ‌یک در دولت اول ترامپ به شکست فاحشی بیانجامد. آمریکا در آن زمان به‌رغم فشارهای ترامپ بر اعضای شورای امنیت، تنها توانست یک عضو شورا (جمهوری دومینیک) را با خود همراه کند و ۱۳ عضو با خواست آمریکا مخالفت کردند و اسنپ‌یک انجام نشد. دولت آمریکا به بهانه فعال کردن کمیته تحریم، کوشید از طریق مجمع عمومی به خواست خود برسد، اما در مجمع هم ۱۱۰ عضو به خواست آمریکا رای مخالف دادند. این در حالی بود که ایران از بیش از یک سال قبل اجرای تمام تعهدات برجامی خود را متوقف کرده بود. در دوره بعد و در حالی که احیای برجام ممکن بود، متأسفانه سیاست‌های نادرست مانع شد و ادامه آن سیاست‌ها ما را در شرایطی قرار داد که اکنون در آن قرار داریم.

۶ ر صادر کرده بودند تا از ز به دست آورند در حالی که زبان‌های این کار بسیار زیاد بوده و باید به تخلف مزبور رسیدگی شود و نباید تحت عنوان وفای آن را نادیده گرفت. به‌علاوه، چرا برخلاف وعده‌های آن دولت، ناترازی‌های انرژی در دولت رئیسی بیشتر شد؟ چه کسانی مانع حل برجام شدند که در نتیجه درآمد‌های کشور کم و کمتر شد و نه تنها سرمایه‌گذاری به سوی صفر میل کرد و نیروگاه‌های جدید ساخته نشد، بلکه به‌رورسانی هم نشد؛ به‌طوری که بیش از ۲۰ درصد آنها فرسوده شده و عمر مفید خود را کرده‌اند. همه اینها گفته شد تا به نتیجه دیگری اشاره شود. اینکه شرایط منتهی به وضعیت کنونی و استهلاک زیرساخت‌های انرژی همچنان برقرار است و حتی بدتر هم شده است و یا خواهد شد، راه‌حل آن اصلاح رویکردهای کلان در سیاست داخلی و خارجی و نظام‌گزینش و نظام رسانه‌ای است؛ در غیر این صورت، وضعیت بدتر خواهد شد که بهتر نمی‌شود. آقای پزشکیان و اطرافیان ایشان پیش از هر چیز باید به اصلاح این سیاست‌ها بپردازند؛ در غیر این صورت، شکست این دولت نیز دور از انتظار نیست.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک

اعضای شورای شهر تهران در گفت‌وگو با هم‌میهن مطرح کردند

اجرای مصوبه سرویس مدارس پیچیده‌است



پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

هزار تومان تعیین شد و به ازای هر کیلومتر ۵۹۰۰ تومان محاسبه می‌شود. این رقم برای دانش‌آموزان ابتدایی بر اساس ۸ ماه سال و برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه بر اساس ۹ ماه سال محاسبه شده است. در جدول مربوط، جزئیات این محاسبات ذکر شده است.» به گفته او، برای مقطع ابتدایی به دلیل ضرورت تحویل‌گیری دانش‌آموز توسط راننده، ۵ درصد مبلغ اضافی در نظر گرفته شده است. وی توضیح داد: «راننده موظف است دانش‌آموز را از والدین تحویل بگیرد، سوار خودرو کند و در مدرسه پیاده نماید. این موضوع در مسیر بازگشت نیز باید رعایت شود تا دانش‌آموزان با ایمنی و امنیت کامل بین خانه و مدرسه تردد کنند.»

رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران تأکید کرد: «کلیه رانندگان موظف به گذراندن آموزش‌های لازم و داشتن استانداردهای مورد نیاز هستند. شرکت‌های پیمانکار و سازمان تاکسیرانی نیز باید نظارت مستمر و دقیق بر اجرای این مصوبه داشته باشند.» او درباره مدرسی که هنوز در سامانه سپند ثبت‌نام نکرده‌اند، تصریح کرد: «مصوبه هیئت وزیران تکلیف کرده است که همه والدین، مدارس، شرکت‌ها و رانندگان باید اطلاعات خود را در سامانه سپند ثبت کنند. اگر خارج از این سامانه سرویسی ارائه شود، غیرقانونی بوده و تبعات آن بر عهده برگزارکنندگان خواهد بود. سلامت دانش‌آموزان برای ما بسیار مهم است و در صورت وقوع حادثه، تمامی مسئولان دخیل در سرویس غیرقانونی پاسخگو خواهند بود. هدف ما این است که راننده و خودرو حتماً استانداردهای لازم را داشته باشند. نظارت‌های میدانی روزانه باید صورت گیرد و اگر سرویسی خارج از این سیستم برقرار شود، مسئولیت آن متوجه برگزارکنندگان خواهد بود.»

او با اشاره به دانش‌آموزان مدارس استثنایی افزود: «همانند سال گذشته، ۱۰۰ درصد هزینه سرویس مدارس این دانش‌آموزان توسط شهرداری پرداخت می‌شود و والدین هیچ مبلغی نباید بپردازند. پیمانکاران سرویس مدارس استثنایی مبلغ بیشتری نسبت به سرویس‌های عادی دریافت خواهند کرد، اما والدین همچنان هیچ هزینه‌ای پرداخت نخواهند کرد.» تشکری همچنین از تخفیف ۵۰ درصدی برای دانش‌آموزان و دانشجویانی که از مترو و اتوبوس استفاده می‌کنند خبر داد و گفت: «این تخفیف سراسری در سیستم حمل و

روز گذشته به قول مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران «روز رای نده‌ای» در حوزه شهری و جریان بررسی خدمات سرویس مدارس بود. برخی از اعضای شورای شهر تهران در بررسی خدمات سرویس مدارس اعلام کردند که این لایحه دیر به شورای شهر آمده است و آنطور که مهدی چمران اعلام کرد این لایحه باید اردیبهشت به پارلمان شهری و پایتخت ارائه می‌شد اما ۱۱ شهریور به شورا رسیده است. چند هفته مانده به آغاز سال تحصیلی جدید، شورای شهر تهران سرانجام تکلیف نرخ کرایه سرویس مدارس را مشخص کرد؛ مصوبه‌ای که روز ده هم در فرمانداری معطل می‌ماند و به احتمال زیاد هم‌زمان با بازگشایی مدارس ابلاغ می‌شود. این تصمیم در حالی گرفته شده که اغلب مدارس از مدت‌ها قبل هزینه سرویس را از والدین دریافت کرده‌اند؛ مسئله‌ای که خود اعضای شورا نیز آن را بی‌فایده دانستند و گفتند وقت زیادی صرف تصمیمی شده که عملاً پیش‌تر اجرا شده است.

سیدجعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران، در جریان سیدصیدونجه و دومین جلسه شورای شهر تهران و در جریان بررسی نرخ کرایه سرویس مدارس در سال تحصیلی جدید، گفت: «بر اساس لایحه‌ای که در صحن شورا بررسی شد، اختیار داشتیم نرخ‌ها را متناسب با نرخ تورم افزایش دهیم. این رقم برای امسال ۸/۲۶ درصد بود، اما شورای شهر تهران دو اینم هم را تغییر داد. نخست اینکه نرخ شیب معیار که ۱۵ درصد به مبلغ اضافه می‌کرد، در این دوره صفر شد. دوم، نرخ ترافیک تهران که ۲۵ درصد بود، به ۱۵ درصد کاهش یافت. بنابراین می‌توان گفت نرخ سرویس مدارس تقریباً تغییر محسوسی نسبت به سال گذشته نخواهد داشت.»

تشکری هاشمی افزود: «مبلغ ورودی سرویس برای هر دانش‌آموز ۵۸



سرمایه‌گذاران حوزه آب و برق به موقع پرداخت نشود. قیمت‌های تکلیفی تشکیل سرمایه را متوقف سازد و مصرف برق و آب را به صورت غیر هدفمند و غیر بهره‌ور رشد دهد و بالاخره موجبات ناترازی را فراهم آورد. به طوری که در ابتدای دولت و در تابستان ۱۴۰۳ این ناترازی به عدد بی‌سابقه حدود ۲۰ هزار مگاوات بالغ گردید این مسئله باعث شد که از یک سو محیط کسب و کار برای سرمایه‌گذاران نامن و غیر جذاب شود و از دیگر سو مصرف به شدت افزایش یابد؛ به نحوی که سال گذشته رشد مصرف از عدد هشت و نیم درصد فراتر رفت. این ناترازی که برای نخستین بار در سال ۹۷ بیشتر خود را نشان داد در سال ۱۴۰۳ به اوج رسید به گونه‌ای که، مطابق مستندات و گزارش‌های موجود، شرایط بحرانی در این حوزه کاملاً مشهود بود.»

وزیر نیرو تصریح کرد: «در سال گذشته، به دلایلی که اغلب شما از آن آگاه هستید، در ابتدای دوره با کمبود شدید سوخت مواجه شدیم. بخشی از سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها از منابع مازاد و خارج از برنامه تأمین شد. این شرایط باعث شد عملیات تعمیرات اساسی نیروگاه‌ها به سختی انجام شود و بخشی از تجهیزات آسیب ببیند. نتیجه آن، کاهش راندمان، کاهش توان تولید و افزایش فشار بر شبکه بود. به دلیل تبعات زیست‌محیطی این شرایط، بارها و بارها مدیران وزارت نیرو برای پاسخگویی به نهادهای نظارتی و قضایی احضار شدند؛ درحالی که نه تنها تقصیری نداشتند، بلکه با فداکاری کامل و با وجود کمبود شدید منابع، ناگزیر به اتخاذ این تصمیمات شدند.»

▼ فرسودگی شبکه و خروج کارشناسان خارجی

چند نکته جالب توجه دیگر نیز در صحبت‌های وزیر نیرو وجود داشت. او درباره نیاز به توسعه شبکه انتقال برق گفت: «در ابتدای دولت کل ظرفیت نیروگاه‌ها ۱۲۵۰ مگاوات بود و اولویت ما احداث نیروگاه‌های سه مگاواتی است که با قیمت ارزان و سریع‌تر ساخته می‌شوند و نیاز به پست و خط و شبکه ندارند اما اشکال آن‌ها این است که تنها در همان منطقه کارایی دارند، ما هنوز در برخی

▼ اشاره گذرا به مخازن خالی

علی‌آبادی در بخشی از نطق خود، در پاسخ به این موضوع که پیش‌بینی شرایط خاص آب و برق از قبل توسط وزارت نیرو انجام نشده است، گفت: «اتفاقاً این کار انجام شده است. یکی از دلایلی که متعایل به حضور در دولت نبودم، این بود که می‌گفتم وضعیت خوب نیست. همه‌شما می‌دانید، وضعیت بسیار بد بود. صنایع خاموش بود. من وزیر صمت بودم.»

او در میان همه‌مهای که پس از ادای این جملات به وجود آمد، ادامه داد: «خدا شهید رئیسی را رحمت کند. در تابستان آخر (۱۴۰۲) ملاحظات بسیاری وجود داشت که آن‌ها را در نظر گرفتیم. حتی اقدامی که دشمن انجام داد در حوزه خطوط گاز، جایی اعلام نکردم. می‌دانید که آن اقدام چه بود البته جلسه علنی است و مایل نیستم اطلاعاتی که نباید مطرح شود را باز کنم. آنچه که ما تحویل گرفتیم، مخازن خالی بود. امسال همکاران من در وزارت نفت، مخازن را به وضعیت خوبی رساندند. البته ما در این حوزه فقط وظیفه پیگیری داریم.» این صحبت‌های علی‌آبادی با واکنش تندى مواجه شد. پایگاه خبری رجانیوز، در پستی مجازی با انتشار یک نمودار، درباره اظهارات وزیر نیرو، با تیتیر «دروغ بزرگ علی‌آبادی برای لاپوشانی ناپلیدی خود» نوشت: «عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو امروز در میان نمایندگان معترض به قطعی آب و برق گفت: وقتی دولت را تحویل گرفتیم، صنایع خاموش بودند. این درحالیست که در سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ رشد تأمین برق صنایع نسبت به ۱۴۰۰ بیش از ۲۰ درصد بوده و برای اولین بار مصرف برق صنعت از خانگی پیشی گرفت. گزارش‌های غلط علی‌آبادی به امروز ختم نمی‌شود و پیشتر پزشکیان نیز گفته بود که درباره مازوت‌سوزی به او اطلاعات غلط دادند.»

▼ ۲۰ هزار مگاوات ناترازی در تابستان ۱۴۰۳

علی‌آبادی درباره سرایت ناترازی اقتصادی به حوزه انرژی گفت: «ناترازی اقتصادی موجب شده است طی سالیان گذشته بدهی پیمانکاران و

ادامه سرمقاله

متأسفانه عدم تشکیل سرمایه در تولید، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و ناترازی اقتصادی باعث عقب‌ماندگی در تکمیل چرخه نیروگاه‌های ترکیبی، سیکل ساده و تجدیدپذیر شده است... فرسودگی نیروگاه‌ها نیز یکی دیگر از دلایل ناترازی است. بیش از ۱۵ هزار مگاوات نیروگاه‌های کشور فرسوده شده و عمر مفید خود را از دست داده‌اند.»

اگر به یاد داشته باشید یکی از گزاره‌های ثابت آقای رئیسی و اعضای دولت او این بود که همه کمبودها و حتی خلف وعده‌های خود را هم به گردن دولت روحانی می‌انداختند. هر چه هم جلوتر می‌آمدیم این ادعاها بیش از گذشته تکرار می‌شد. روزی نبود که به نوعی آن را نشنویم. آنان چون در اجرای وعده‌های عجیب خود شکست خورده بودند تقصیر را متوجه دیگران می‌کردند. یکی از رفتارهای خوب آقای پزشکیان و دولتش این است که از این ادبیات و منطق مبرا هستند. از یک نظر هم درست است. ولی سخنان وزیر نیرو از حیث اینکه به تخلف جدی و آشکاری اشاره می‌کند که ذخایر گاروئیل زمستانی در تابستان صفر بوده، خیلی مهم است چون ظاهر آنها